

ويکي ليکس افشاء می کند: نظاميان خارجي و رسانه های "آزاد" افغانی

بعد از اشغال افغانستان، ایجاد صد ها رسانه غیر دولتی و گویا "مستقل" بمثابة یک "دستآورد" مهم دولت و "جامعه جهانی" (۱) پنداشته می شود. ولی میدیای ساخته شده در افغانستان با حمایت واضح و روشن قدرت های بیرونی در خط توجیه گرانه و در چوکات دیسکورس معین مصرفی و تقلیدی که در کشورهای پس از استعمار زده مروج است، عمل می کنند. بدون شک، بحث در مورد اقلیت بسیار کوچک از رسانه ها که حتی سکوت را به وابستگی ترجیح می دهند، و تلاش صادقانه صد ها روز نامه نگار، گزارشگر و مفسر رسانه افغان که در شرایط سخت مادی و معنوی کار می کنند، نیست؛ فقط، استفاده ابزاری تعدادی از قند بگیران و قند بگیران مافیایی که اکثریت شان اهل رسانه و روزنامه هم نیستند، از نام روزنامه نگار و سکاتور روزنامه نگاری، نگران کننده و قابل نقد است. طبعاً، کار این گروه در چارچوب استراتژی تعیین شده زور که همانا توجیه، دفاع و تیرنه قدرت در کشورهای اشغال شده و پس از استعمار زدگی است، با تقلید از مباحث ساخته شده و عوامفریبانه صورت می گیرد. یکی از بزرگترین دغدغه های امریکا در افغانستان پنهان کردن حقیقت از مردم دنیا، بخصوص مردم امریکا در زمان جنگ، و در دراز مدت ایجاد و گسترش میدیای وابسته و مصرفی برای حفظ ساختار پسا استعمار نو است. نقش ژورنالیزم مصرفی و تقلیدی وابسته به سرمایه و قدرت، در ترکیه نمونه خوبی در این مورد است. بدون شک ساختار قدرت امریکا اطمینان کامل دارد که نقد جنگ افغانستان از طرف میدیای سرمایه در غرب از محدوده پروپاگند عقلانی فراتر نمی رود. بناً تلاش برای خلق میکانیسم مشابه در افغانستان که بتواند سالها رسانه های محلی را کنترل کند، با توسل به آفرینش مافیای رسانه ای به سرعت ادامه دارد.

در بحرانی ترین شرایط، چه در عراق، امریکای لاتین و یا افغانستان پروژه "میدیا سازی" در سر خط کار سیا و پنتاگون قرار داشته است. بعد از اشغال عراق، با اینکه چندین شبکه رادیویی، تلویزیونی و ده ها روزنامه و جریده از طرف پنتاگون، وزارت خارجه و دیگر نهاد های امریکایی ساخته شد و تمویل می شد، در سال ۲۰۰۵ یکی از شرکت های قراردادی پنتاگون زمانیکه به رسانه های عراقی پول میداد تا مقاله ها و اخبار نوشته شده از طرف نیرو های امریکایی را به چاپ برسانند، افشاء شد. (۲) در افغانستان هم وضعیت به همین منوال ادامه دارد. اسناد افشاء شده از طرف ویکی لیکس نشان میدهد که نیروهای امریکایی و ناتو در چندین موارد به رسانه های محلی در افغانستان پول داده اند تا مطابق خواست آنها تبلیغ کنند.

در یکی از این سند ها که به تاریخ ۵ نومبر ۲۰۰۶ نوشته شده، آمده است که نظامیان امریکایی به رادیو غزنویان و رادیو غزنی لیست مطالبی را داده اند که مطابق یک برنامه معین و در اوقات از قبل تعیین شده باید به نشر برسد. در بدل آن به رادیو غزنویان مبلغ ۳۹۰۰ دالر پول پرداخته شده است. (۳) در یک سند دیگر آمده است که به تاریخ ۳ جنوری ۲۰۰۸، بازم بخش تبلیغات روانی قوای امریکا ملاقات های را با شبکه شایق و "رادیو تلویزیون ملی جلال آباد" انجام داده اند. در این ملاقات ها قرارداد هایی با "رادیو تلویزیون ملی جلال آباد" صورت گرفته، و پول هم در بدل کمپاین تبلیغاتی که باید از طرف "رادیو تلویزیون ملی جلال آباد" صورت بگیرد، پرداخته شده است. (۴) مهمترین سند که بازم رابطه تنگاتنگ میدیای به ظاهر "آزاد" را با نظامیان خارجی نشان میدهد، سند ملاقات رحیم الله سمندر که از او به عنوان "رئیس اتحادیه ژورنالیستان آزاد افغانستان" نام برده شده، با نیروهای امریکایی در بگرام میباشد. در این ملاقات که به تاریخ ۱۷ جنوری ۲۰۰۸ در کاپیسا صورت گرفته، آقای سمندر در مورد کارهای خود معلومات داده و خواهان همکاری با نظامیان امریکایی شده است. آقای سمندر همچنان آمادگی اش را برای پخش اخبار تبلیغاتی نیروهای امریکایی ابراز کرده و پیشنهاد نشر مطالب مربوط به نظامیان خارجی را در رسانه های وابسته به خودش داده است. در همین سند از کمک نظامیان امریکایی به صلیب سرخ کاپیسا نیز یاد آوری شده است. جالب اینکه "رئیس صلیب سرخ کاپیسا، آقای محمد علم کوهستانی، از نظامیان امریکایی خواسته است که گزارش خبری و تصویری این کمک ها را در هیچ رسانه محلی به نشر نرسانند." زیرا آقای کوهستانی میدانسته که رابطه با نظامیان خارجی "بیطرفی شان را نقض میکند." (۵)

شاید هم با توسل به فرهنگ ناگزیری در افغانستان، استدلال شود که "واقعیت ها" در افغانستان طور دیگری است. هرگونه قند و قند برای "رشد رسانه ها و نهاد ها" کمک میکند. در جواب باید نوشت، که نیاید ساده لوحانه باور کرد که سی آی ای، پنتاگون و وزارت خارجه امریکا برای ما نهاد های مدنی و رسانه های آزاد می سازند. اهداف بنیادی ساختار قدرت امروزی در تضاد با این امر است. مثال خوبی در این مورد گفته های یکی از کارمندان سابق سی آی

ای در افغانستان میباید که زمانی گفته بود، "سی آی ای و پنتاگون عفو بین الملل و یا دیده بان حقوق بشر نیستند؛ بلکه هرچند گاه ماسک اغواگرانه "بشر دوستی و نهاد سازی" را باید بپوشند." (۶)

یادداشت ها و منابع:

(۱) در نومبر سال ۲۰۰۴ کمیته اول مجمع عمومی ملل متحد، قطعنامه ایرا در مورد محدود ساختن غنی سازی مواد قابل انشقاق به رای دهی گذاشت، که ۱۴۷ کشور رای مثبت دادند و تنها امریکا رای منفی داد و با این قطعنامه مخالفت نمود. برتانیه و اسرائیل از رای دادن خود داری کردند. فقط جالب است که نماینده برتانیه در ملل متحد به خبرنگاران گفت که "برتانیه در اصل از این فیصله حمایت میکند، ولی بخاطری که جامعه جهانی روی این مسئله عمیقاً به دو بخش تقسیم شده بود، دولت برتانیه از رای دادن خود داری کرد." تعریف خوبی از "جامعه جهانی". یک صد و چهل و هفت کشور در مقابل یک کشور ("جامعه جهانی").

(۲) روز نامه لاس اجلس تایمز. نومبر ۳۰، ۲۰۰۵

(۳) اسناد ویکی لیکس در مورد افغانستان. پیوند انترنتی:

<http://wardiary.wikileaks.org/afg/event/2006/11/AFG20061105n433.html>

(۴) اسناد ویکی لیکس در مورد افغانستان. پیوند انترنتی:

<http://wardiary.wikileaks.org/afg/event/2008/01/AFG20080103n1125.html>

(۵) اسناد ویکی لیکس در مورد افغانستان. پیوند انترنتی:

<http://wardiary.wikileaks.org/afg/event/2008/01/AFG20080117n1192.html>

(۶) Gary, Berntsen. Jawbreaker. Crown: New York. 2005. Erdal Simsek. Ortadoguda Oynanan Kirli Oyunlar. Neden Kitap: Istanbul, 2007.

د پانو شمیره: له ۲ تر 2

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لولئ